

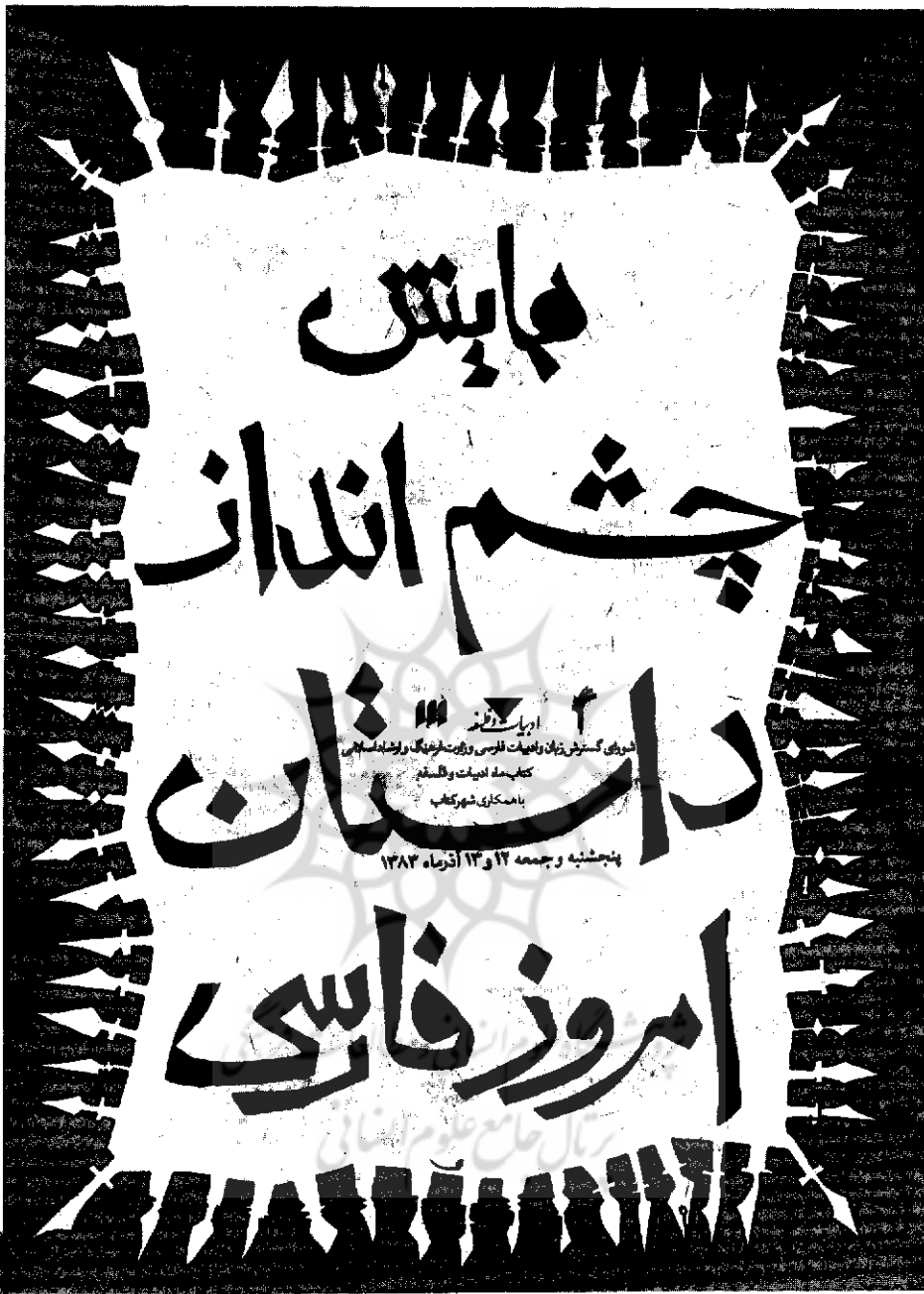


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## سایه روشن های میدان دید یک چشم انداز

نارسایی های این چشم انداز بی سابقه اشاره کند تا در ادامه این روال میمون، بتوان به چشم اندازی وسیع و چشم نواز رسید. اقلیم های زبان فارسی، در محدودیت به سر می برند و فاصله مرزهای سیاسی و بعد مسافت، اقلیم زبان فارسی را محدودتر و دورتر از هم می کند، تلاشی که در چشم انداز مشهود بود، نگرستن به اقلیم باستانی زبان فارسی؛ خراسان بزرگ و سرزمین های فرارود بود تا فارسی با برادران درسی و تاجیکی اش تجدید دیدار و عهدی کند و این دیدار هر چند شیرین بود و دلچسب اما بعد فاصله زمانی حاصل شده بین فارسی و دری و تاجیکی، زبان این دیدار را الکن و نارسا کرده و به خصوص

برگزاری همایش چشم انداز داستان امروز فارسی، رخداد فرخنده ای بود که در ادامه همایش چشم انداز شعر امروز فارسی، می تواند دست اندر کاران و ادیبان را با وضعیت امروزی ادبیات فارسی آشنا کند و تصویری روشن و شفاف از آن برای مخاطبان بسازد. هر نوع چشم اندازی، بر اساس اینکه برآمده از یک نگاه نسبی و انسانی است، بی تردید در میدان دید خود محدودیت هایی دارد و شاید بتوان با نگرشی دیگر به این چشم انداز برخی از محدودیت ها را برطرف کرد. این قلم قصد دارد در ادامه این جستار کوتاه، به چند مورد از



همایشی در موضوع ویژه و تخصصی همچون داستان فارسی امروز برگزار می‌شد و می‌بایست از بحث‌های اجمالی و عمومی احتراز می‌شد و در ژرفای مسائل مبتلا به داستان فارسی غور و تعمق کرد و شاید مطرح شدن تجربه‌های اندک و ابتدایی فارسی‌زبانان دری و تاجیکی که هنوز به ژانر و سبک خاصی در ادبیات داستانی نرسیده‌اند، در کنار تجربه‌های گسترده و متفاوت ادبیات داستانی امروز فارسی ایران، باعث می‌شود که خلوت و شیرینی این دیدار در مذاق متخصصان و صاحبان کسب‌اندکی تلخ و گزنده گردد و جا داشت در مبحثی و فصلی جداگانه و فارغ از تقدم و تأخر سطح ادبیات داستانی دری و تاجیکی این موضوع بررسی شود.

امری که علی اصغر محمدخانی در خصوص ادبیات کودکان و نوجوانان ضروری دانستند، از ظرایف همایشی این بود که ادبیات داستانی معاصر افغانستان در روز دوم همایش برخلاف برنامه مندرج در کنار میزگرد ادبیات کودک مطرح شد که دلالت‌های ضمنی بر این صحبت نگارنده داشت و شاید روند طرح موضوع ادبیات داستانی فراتر از مرزهای ایران در کنار ادبیات فارسی شائبه دوربینی نگاه این چشم انداز را مطرح می‌سازد به خصوص اینکه از اشاره به آخرین تحولات در حوزه ادبیات داستانی امروز فارسی و بررسی جریان‌های جوایز مختلف داستانی و بررسی معیارها و مصادیق آن احتراز شده، این شائبه را تقویت می‌کرد.

سید دریش

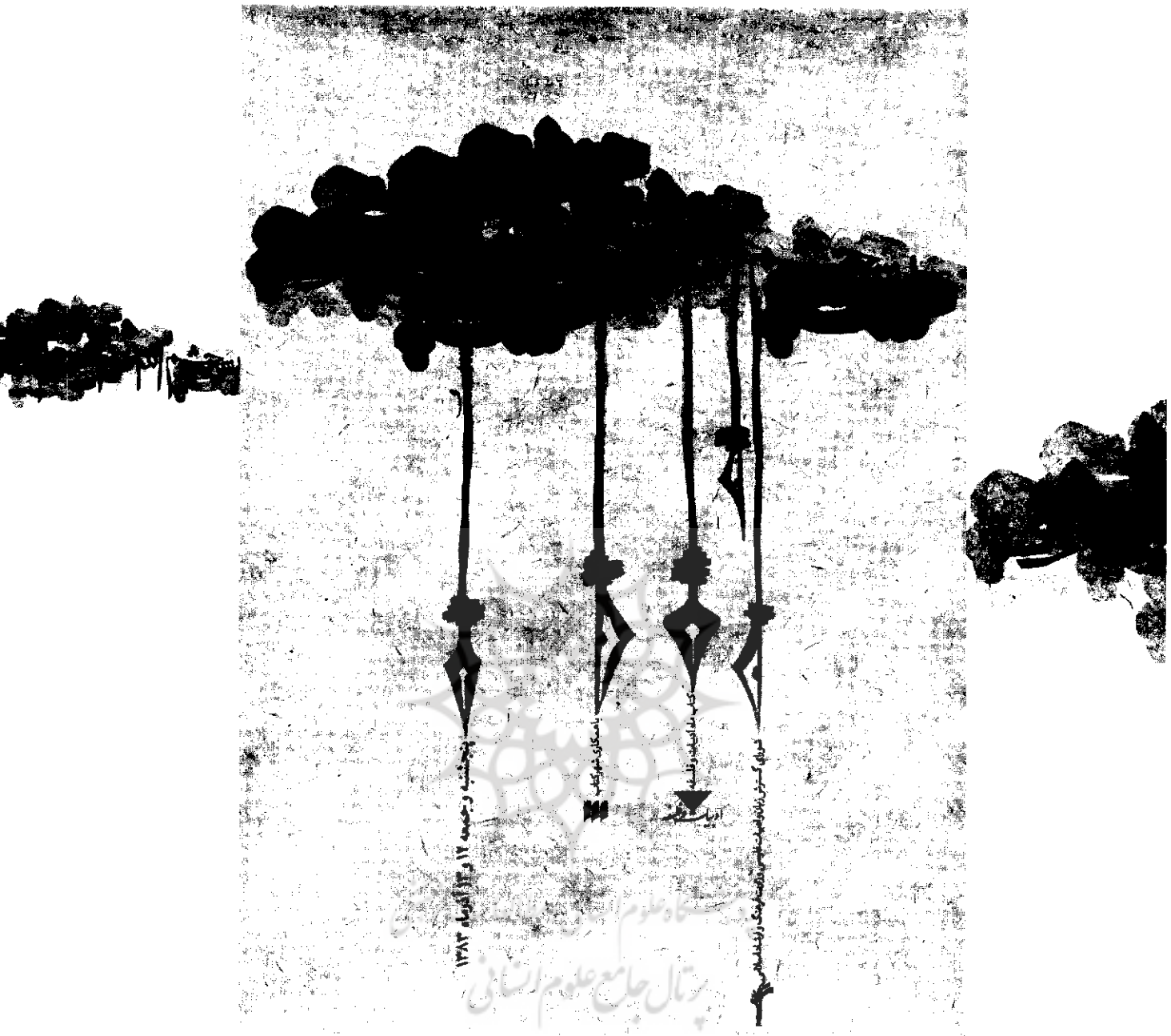


سخرانان را تأمین کند زیرا که مبنای منطقی و اصولی سخرانان در همایش ارتباط چهره به چهره و گرم با مخاطبان در اثنای ارائه گفتارهایشان بود و چاپ کتاب ویژه را فقط از امور جنبی این همایش باید به حساب آورد که گویی مسئولان بیش از حد بر این امر جنبی تأکید و تکیه داشتند و تلاش می‌کردند تا نقص و نارسایی در ارائه گفتارهای سخرانان را در اینجا جبران کنند.

از بخش و پنل‌های متنوع و گاه متفاوت که از شدت تفاوت رو به سوی تضاد می‌گذشت، می‌شد به سخرانی برخی از سخرانان اشاره داشت که موضوعات بکر و تازه‌ای عنوان می‌کردند از جمله به سخرانی عنایت سمیعی با عنوان شخصیت حق به جانب در رمان‌های ایرانی، ایشان درباره اعتراف راوی، صحبت‌هایی ایراد کرد که بر دیگر سخرانان همایش تأثیر گذار بود و هر کدام به نوعی می‌خواستند به این موضوع اشاره‌ای هر چند کوتاه داشته باشند، همچنین طرح موضوعی همچون آموزشی رسمی ادبیات داستانی در میزگرد «آموزش ادبیات داستانی در ایران» از میزگردهای موفق بود که در بردارنده ایده‌های جدید و پیشنهاد دهنده برای افق پیش روی ادبیات داستانی بود و به ابعاد همایش، بعد تازه‌ای می‌افزود تا علاوه بر بررسی آنچه در ادبیات داستانی فارسی گذشته به آنچه خواهد شد و باید بشود، نیز می‌پرداخت و میدان دید چشم انداز را وسعتی به امتداد افق‌های پشت و پیش رو می‌بخشید. گویی توجه به تنوع و تفاوت مقالات و دیدگاه‌ها جهت مطرح شدن در همایش، باعث شده که تنوع تامل‌های آشفته‌گی پیش برود، زیرا که علاوه بر عدم سختی طرح تجربه‌های زبان فارسی در کنار دری و تاجیکی، عدم سختی برخی موضوعات مطرح شده با کلیت موضوع

عدم حضور عمده چهره‌های مطرح و موفق و اندک شمار بودن تعداد آنان، نارسایی دیگری بود که بر وجه دوستی بودن و فرانگری نکردن این همایش به شکل تلویحی اشاره می‌کرد و اگر نبود حضور چهره‌های کهنه کار و فرهیخته‌ای همچون رضا سید حسینی، عبدالله کوثری و محققان و منتقدان فعالی همچون دکتر حسین پاینده، دکتر علی محمد حق شناس، فتح الله بی‌نیاز، عنایت سمیعی و حضور چهره‌های داستان‌نویسی همچون: علی اصغر شیرزادی و محمد جواد جزینی و... شاید همایش به کلی تبدیل به امری فرمایشی و دانشگاهی می‌شد که خود را با تحولات زنده و پویای ادبیات داستانی امروز فارسی بیگانه می‌دید، که خوشبختانه حضور چهره‌ها و فرهیختگان فوق‌الذکر تا حدود بسیاری توانست همایش را از این تصویر دور سازد هر چند عدم حضور دیگر چهره‌های موفق و مطرح ادبیات داستانی در همایش محسوس بود.

در طول مدت زمان کوتاه برگزاری همایش که از صبح پنجشنبه آغاز و تا ظهر جمعه ادامه یافت (مقارن قصه ظهر جمعه!!) کمتر سخرانی موفق شد که همه گفتار خود را ارائه کند و یا ایده سخرانی خود را بسط و تشریح کند، بلکه همگان بالحنی شتابزده و نفس نفس زنان می‌بایست نمره تحقیقات و جستار طولانی خود را در مدت محدود مثلاً چندین دقیقه‌ای خلاصه کنند، که نتیجه آن بحث به کلی گنگ و با نتیجه‌های ناروشن بود که حتی گمان می‌رفت مخاطبان نتیجه‌ای مخلوط از آن دریافت کنند و این یعنی به باد رفتن همه تلاش و کوشش سخرانی محققان و پژوهشگران و وعده مسئولان همایش مبنی بر چاپ کامل گفتارها در کتاب ویژه همایش نمی‌توانست نتیجه دلخواه بسیاری از



ایجاد نشد و تنها مناظره علمی زیبایی که مخاطبان شاهد بودند؛ بین رضا سید حسینی و مصطفی مستور صورت گرفت و هر یک از طرفین توانستند ابهامات خود را مطرح و روشن سازند و در این بین مخاطبان با دیدگاه‌های طرفین بهتر آشنا شوند.

«همایش چشم انداز داستان امروز فارسی» با تمام قوت‌ها و کاستی‌هایش به پایان رسید هر چند همایش در پایان بندی خود به نگاه جامعی نرسید و ابهامات بسیاری باقی گذارد. اما نفس برگزاری همایش و تلاش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و کتاب ماه ادبیات و فلسفه بی‌ثمر نبود و مخاطبان و دست‌اندرکاران فرهنگی و نویسندگان را با پتانسیل‌ها و کارهای کرده و ناکرده و راه‌های پیش رو آشنا کرد. باشد تا این شعله سنت نیکوی فرهنگی همچنان فروزان و تابنده بماند تا افق پیش روی روندگان را روشن سازد.

چشم انداز نیز به چشم می‌خورد. به نحوی که از برآیند مقالات ارائه شده نمی‌توان به طیف موضوعی با یک موتیف یکسان رسید. گاه حتی برخی موضوعات تفاوت‌های بنیادی با هم دارند به ویژه اینکه برخی از سخنرانی‌ها با موضوع تنش‌آمیز و بحث برانگیز که با روح کلی چشم انداز که باید فارغ از تعصب‌ها و جانبداری محفلی و گروهی باشد و کل شاکله ادبیات داستانی امروز فارسی را مورد مناقه قرار دهد، به دور بود. وجود یکی، دو مورد سخنرانی ضعیف با استدلال‌های سست و شتابزده این خطر را به وجود می‌آورد تا از بار علمی و محققانه این همایش کاسته شود و شاید اگر امکان به چالش‌گیری و نقد و مباحثه همزمان با ارائه سخنرانی فراهم می‌آمد، بر پویایی و علمی‌تر شدن همایش بیشتر می‌افزود که این فرصت به شکلی محدود صورت گرفت و اما در جایی که لازم بود، برای ابهامات و پرسش‌های مخاطبان فرصت طرح و سؤال